

@Adabiate12

درس یکم: شکر نعمت

* منت خدای را عز و جل، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می رود ممتّ حیات است و چون بر می آید مفرّح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

قلمرو زبانی: لغت: منت: نعمت دادن، احسان / عز و جل: عزیز و بزرگ است / قربت: نزدیکی / مزید: افزونی، زیادی / ممد: مدد کننده، یاری رساننده / مفرّح: شادی بخش، فرح انگیز / دستور: نوع «را» جمله اول: حرف اضافه / طاعتش: شکر ممتّم اسم «طاعت از او» / بر می آید: فرایند واجی افزایشی (واج ی درآید) / ممتّ حیات، مفرّح ذات: ترکیب اضافی / هر نعمتی: ترکیب وصفی

قلمرو ادبی: طاعتش موجب قربت است: تلمیح به آیه شریفه «واسجد واقترّب» / شکر اندرش مزید نعمت: درشکر او زیادی نعمت وجود دارد «لئن شکرتم لازیدنکم» ابراهیم / فرومی رود و برمی آید: تضاد / حیات و ذات: سجع

قلمرو معنایی: ستایش مخصوص خدایی است که گرامی و بزرگ است و اطاعت از او باعث نزدیکی به اوست و درشکر او زیادی نعمت وجود دارد. هر نفسی که می کشیم یاری کننده ی زندگی است و هنگامی که نفس را بیرون می دهیم باعث شادی جسم است. پس در هر تنفسی دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی شکر واجب است.

قربت معنایی:

طاعتش موجب قربت است: به طاعت قرب ایزد می توان یافت / قدم درنه گرت هست استطاعت
شکر اندرش مزید نعمت: شکر نعمت نعمت افزون کند / کفر نعمت، از کفت بیرون کند

* از دست و زبان که برآید / کز عهده ی شکرش به در آید؟

قلمرو زبانی: شکرش: نقش دستوری «ش» مضاف الیه / عهده ی شکرش: دو ترکیب اضافی / آید: فرایند واجی افزایشی
قلمرو ادبی: -دست: مجاز از عمل / زبان: مجاز گفتار / از عهده به در آمدن: کنایه از توانایی داشتن

دست و زبان: تناسب / برآید و درآید: جناس ناهمسان

قلمرو معنایی:

هیچ کس نمی تواند با دست و زبان خود (عمل و گفتار) از عهده ی شکر نعمت های خدا برآید.

قربت معنایی: گر بر سر من زبان شود هر مویی / یک شکر تو از هزار نتوانم کرد

* «إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»

بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد

ور نه ، سزاوار خداوندی اش / کس نتواند که به جای آورد

قلمرو زبانی : شکور: سپاسگزار / تقصیر: گناه , کوتاهی کردن / عذر : توبه. / سزاوار: وندی / خداندی اش : ش مضاف الیه / تقصیر خویش : ترکیب اضافی

قلمرو ادبی : «إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» : تضمین آیه ی قرآن / بنده , تقصیر , عذر : تناسب معنایی / عذر به درگاه خدا آوردن : کنایه از توبه کردن

قلمرو معنایی : ای خاندان داوود سپاس گزارید وعده ی کمی از بندگان من سپاسگزارند .

- بهتر این است که هر انسانی به خاطر گناه و کوتاهی در عبادت خود به درگاه خدا توبه کند.

قرابت معنایی :

اگرچه جرم عاصی , صد جهان است ولی یک ذره فضیلت , بیش از آن است

دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جلّ و علا- بردارد

- وگر نه هیچ کس نمی تواند آن چنان که شایسته ی خداست، حق خداوندی او را به جا آورد.

* باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده . پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

قلمرو زبانی : لغت : خوان: سفره / دریغ: مضایغه (بی دریغ: بی مضایغه) / بی حساب : بی حد و اندازه / خوان : سفره / ناموس: آبرو، عصمت / وظیفه : مقرری / گناه فاحش: گناه آشکار و بزرگ / منکر: زشت / نقش دستوری : حسابش: ش مضاف الیه / بی دریغش : ش مضاف الیه / وظیفه: ساده / بندگان: وندی / روزی: وندی / باران رحمت: ترکیب اضافی / رحمت بی حساب: ترکیب وصفی / بی حسابش : ترکیب اضافی / پرده ناموس بندگان : دو ترکیب اضافی (پرده ناموس , ناموس بندگان) / گناه فاحش : ترکیب وصفی

قلمرو ادبی : باران رحمت: اضافه تشبیهی / خوان نعمت : اضافه تشبیهی / پرده ناموس: اضافه تشبیهی / پرده دریدن : کنایه از رسوایی، افشای راز / وظیفه روزی : اضافه تشبیهی

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده: تلمیح به صفت رحمانی خداوند و آیه ی «ربکم ذو رحمۃ واسعہ» انعام/۱۴۷

خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده : تلمیح به منعم بودن خدا

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد : تلمیح به ستارالعیوب بودن خدا

و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد: تلمیح به رزاق بودن خداوند

قلمرو معنایی :

رحمت بی شمار خداوند مانند بارانی به همه ی آفریده ها رسیده است و سفره ی نعمت او در همه جا باز شده است. -

قربت معنایی : خدایا رحمت دریای عام است

ور آن جا قطره ای ما را تمام است

-آبروی بندگان خود را با وجود گنهکاری آنان نمی ریزد

قربت معنایی : این قدر ارشاد تو بخشیده ای

تا بدین بس عیب ما پوشیده ای

وروزی و رزق مقرر آنان را با وجود خطاکاربودنشان قطع نمی کند.-

قربت معنایی : ولیکن خداوند بالا و پست

به عصیان در رزق بر کس نبست

* **پرده ناموس بندگان را گفته تا فرش زمرّدین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیورده.**

قلمرو زبانی : لغت: فراش : فرش گستر, گسترده ی فرش / بنات: جمع بنت , دختران / نبات: گیاه / مهد : گهواره /

زمرّدین:وندی / پرده ناموس: ترکیب اضافی / ناموس بندگان : ترکیب اضافی / فرش زمرّدین : ترکیب وصفی / دایه ابر: ترکیب اضافی / ابر بهاری: ترکیب وصفی / بنات نبات , مهد زمین : ترکیب اضافی

قلمرو ادبی : فرش زمرّدین: استعاره از گل ها سبزه ها. -بنات- نبات: جناس ناهمسان - فراش باد صبا(باد صبا مانند فراش است, اضافه تشبیهی) , دایه ی ابری بهاری(ابر بهاری مانند دایه است, اضافه تشبیهی), . بنات نبات(نبات مانند بنات است, اضافه تشبیهی), مهد زمین(زمین مانند مهد است, اضافه تشبیهی): مهد زمین: تلمیح به آیه ی «الم نجعل الارض مهادا» : آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم (نبا/۶)

قلمرو معنایی :

به باد صبا که مانند گسترده ی فرش(خدمتکار) است, گفته است تا سبزه ها و گیاهان را مانند فرشی از زمرّد سبزرنگ در همه جا باز کندوبه ابر بهاری که مانند پرستاری است دستور داده تا گیاهان را مانند دخترانی در گهواره ی زمین پرورش دهد.

* **درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.**

قلمرو زبانی : لغت: قبا: نوعی لباس بلند مردانه / ورق: برگ / در برگرفته: بر تن پوشانده / شاخ: شاخه / قدوم آمدن، قدم نهادن / موسم زمان / درختان: وندی / نوروزی: وندی مرکب قدوم: ساده / شکوفه: وندی / خلعت نوروزی: ترکیب وصفی / قبای سبز: ترکیب وصفی / قبای ورق ترکیب اضافی

قلمرو ادبی : درختان: تشخیص (درختان قبا داشته باشند) / اطفال شاخ: تشبیه. / کلاه شکوفه: تشبیه. - مراعات نظیر: درخت، برگ، شاخه، برگ، شاخه، ربيع، شکوفه.

قلمرو معنایی :

برای درختان، برگ های سبز رنگ را مانند قبایی به عنوان هدیه ی نوروزی (عیدی) پوشانده است و با آمدن بهار شکوفه را مانند کلاهی بر سر شاخه ها که مانند کودکانی هستند، نهاده است
*** عصارهٔ تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته .**

قلمرو زبانی : لغت: شهید: شیرینی/عصاره: آبی که از فشرده میوه یا چیز دیگر به دست آید / تاک درخت انگور / فایق: برتر، برگزیده / باسق: بلند/ تاکی: وندی / خرمایی: فرایندواجی افزایشی / تربیتش: ش مضافالیه

قلمرو ادبی : کل جمله تلمیح به قادر و توانا بودن خداوند/ تربیت نخل: استعاره و تشخیص / عصاره، شهید و تاک: تناسب معنایی / تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته: تلمیح به: «والنخل باسقات»

قلمرو معنایی :

آب انگوری به قدرت او شیرینی و شهید برتری می شود و دانه ی کوچک خرمایی با تربیت و پرورش او نخل بلندی می گردد.

* ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

قلمرو زبانی : لغت: شهید: شیرینی / غفلت: بی خبری / از بهر: برای / سرگشته: حیران/ نانی: وندی / سرگشته وندی مرکب فرمانبردار: وندی مرکب آری: فرایندواجی افزایشی

قلمرو ادبی : ابر و باد و مه و خورشید و فلک: تناسب معنایی / نان به کف آوردن: روزی به دست آوردن. / نان: مجازاز دست / کف: مجازاز دست / تلمیح به آیات متعددی از قرآن از جمله آیه ی ۱۲ سوره ی النحل:

و سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النَّجْمَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

ترجمه: و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید و ستارگان به فرمان او مسخر شده اند. مسلماً در این امور [برای مردمی که تعقل می کنند نشانه ها است.

و یا آیه ی ۱۳ سوره ی الجاشیه: وَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ

يَتَفَكَّرُونَ.

ترجمه: آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است
 قلمرو معنایی :

همه ی پدیده های طبیعت مانند ابر و باد ماه خورشید و آسمان تلاش می کنند تا تو روزی خود را به دست آوری و با بی خبری و نادانی نخوری. (سپاسگزاری آگاهانه)
 همه ی موجودات به خاطر تو حیران و مطیع اند، این انصاف و عدالت نیست (جوانمردی نیست) که تو خدا را اطاعت نکنی. (فرمانبری آگاهانه) قرابت معنایی: گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گوی و من خاموش

* در خبر است از سرور کاینات و مَفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی، صلی الله و علیه و آله و سلم،

قلمرو زبانی: لغت: خبر: حدیث / کاینات: جمع کاینه، موجودات جهان / مَفخر: آنچه بدان فخر کنند / صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / تتمه: به جای مانده، باقی مانده ی چیزی / در خبر: مسند فعل «است» و نهاد فعل «است» عبارت های بعد از «هر گه...» می باشد / کاینات: وندی / موجودات، عالمیان، آدمیان: وندی / سرور کاینات، مَفخر موجودات، رحمت عالمیان، صفوت آدمیان، تتمه دور: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: سرور کاینات و مَفخر موجودات و رحمت عالمیان: تلمیح به آیه شریفه ی: «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» انبیاء/ ۷

قلمرو معنایی:

در حدیثی از سرور موجودات و مایه ی افتخار آفریده ها و باعث رحمت به جهانیان و برگزیده ی انسان ها و پایان بخش زمان، حضرت محمد - درود خداوند بر او و خاندان پاکش باد- آمده است آن پیامبری که:

*شَفِيعٌ مُطَاعٌ نَبِيٌّ كَرِيمٌ قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ

بَلَّغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدَّجَى بِجَمَالِهِ حَسُنْتَ جَمِيعُ خِصَالِهِ، صَلُّوا عَلَيْهِ وَآلِهِ

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

قلمرو زبانی: لغت: شفیع: شفاعت کننده. (خواهشگر). - مطاع: فرمانروا (اسم مفعول از اطاعت) نبی پیامبر / کریم: بخشنده / - قسیم: صاحب جمال / جسیم: خوش اندام / نسیم: خوش بو / وسیم: دارای نشان پیامبری / الدجی: تاریکی. / نوع ساختمان: پشتیبان: وند / کشتیبان: وندی / دیوار امت: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: لغت: دیوار امت: تشبیه (امت مانند دیواری محکم است) / تناسب معنایی: (موج، بحر، کشتیبان) / اسلوب

معادله / تلمیح به داستان حضرت نوح (ع) / پشتیبان و کشتیبان: جناس ناهمسان (ضعیف)

قلمرو معنایی :

- شفاعت کننده، فرمانروا، پیام آور، بخشنده، صاحب جمال، خوش اندام و دارای نشان پیامبری است. (تنسیق الصفات)
- به واسطه ی کمال خود به مرتبه ی بلند رسید و با جمال نورانی خود تاریکی ها را برطرف کرد. همه ی خوی ها و صفات او زیباست، بر او و خاندانش درود بفرستید.
- امت مسلمان هیچ غم و ترسی ندارد زیرا پشتیبانی مانند تو دارد همچنان که کسی که کشتیبانی مانند نوح داشته باشد، از موج دریا نمی ترسد.

قرابت معنایی:

- | | |
|-------------------------------------|--|
| غافل از آنکه خدا هست در اندیشه ی ما | (۱) مدعی خواست که از بیخ کند ریشه ی ما |
| می رود حافظ بیدل به تولای تو خوش | (۲) در بیابان طلب گرچه ز هر سوی خطری است |
| کرده ام خاطر خود را به تمنای تو خوش | (۳) در ره عشق که از سیل بلا نیست گذر |
| چون تو با مایی، نباشد هیچ غم | (۴) گر هزاران دام باشد در قدم |
| گنهدش، طاعت است و دشمن، دوست | (۵) هر که در سایه ی عنایت اوست |
| کی بود بیمی از آن دزد لثیم؟ | (۶) چون عنایات بود با ما مقیم |

* هر گه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جل و علا- بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند؛ باز اعراض فرماید. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.

قلمرو زبانی : لغت: انابت : توبه بازگشت به سوی خدا / اجابت: پذیرفتن، قبول کردن / اعراض: روی برگرداندن / تضرع زاری کردن / سبحانه: پاک است او / تعالی: بزرگ است / بندگان: وندی / گنهکار: مرکب / روزگار: وندی / بندگان گنهکار : ترکیب وصفی / پریشان روزگار: ترکیب وصفی / دست انابت : ترکیب اضافی

قلمرو ادبی : انابت و اجابت : جناس ناهمسان / دست انابت : اضافه نشانه (اقترانی)

قلمرو معنایی :

هرگاه یکی از بندگان گناهکار پریشان احوال به امید برآورده شدن توبه، به درگاه او توبه کند، خداوند بلند مرتبه به او توجهی نمی کند. بنده گنهکار دوباره خداوند را می خواند. دوباره خداوند روی بر می گرداند. دوباره خداوند را با زاری و

التماس می خواند.

* حق - سفیحانه و تعالی - ید: یا مَلَائِكَتِي قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِي و ايس لهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. دعوتش را اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

قلمرو زبانی: لغت: سبحان: پاک و منزّه / دعوتش: ش مضاف الیه / امیدش: ش مضاف الیه / زاری: وندی / بنده: ساده

قلمرو ادبی: بنده, دعا, زاری: تناسب معنایی

قلمرو معنایی:

خداوند بلند مرتبه می فرماید...خواسته اش را برآورده کردم و آرزویش را برآوردم. چرا که از زیادی دعا و زاری بنده خود شرم دارم.

* کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده ست و او شرمسار

قلمرو زبانی: لغت: کرم: بخشش / خدوندگار: وندی / گنه: ساده / شرمسار: وندی

قلمرو ادبی: خدوندگار, لطف و کرم: تناسب معنایی

قلمرو معنایی:

- بزرگی خدا و بخشش او را نگاه کن و ببین که بنده گناه می کند و او شرمنده است. / قرابت: زهی خداوند پاک, بنده گناه کند و تورا شرم! کرم بود!

* عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبْدناكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ، و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عَرَفناكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.

قلمرو زبانی: لغت: عاکفان: کسانی که در مدت معین در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند / معترف: اعتراف کننده / واصفان: وصف کنندگان, ستایندگان / حلیه: زیور, زینت / تحیر: سرگشته شدن / جلال: بزرگی / جمال: زیبایی / جلالش: ش مضاف الیه

قلمرو ادبی: کعبه جلالش: اضافه تشبیهی / حلیه جمالش: اضافه تشبیهی

قلمرو معنایی:

عبادت کنندگان کعبه ی بزرگی خداوند به کوتاهی خود در عبادت او اعتراف می کنند که: ما آن چنان که شایسته ی عبادت تو است، تورا عبادت نکردیم و وصف کنندگان زیور و زیبایی خداوند به سرگستگی معروف شده اند که: آن چنان که حق شناخت تو بود، تورا نشناختیم.

*گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟

عاشقان کشتگان معشوق اند برنیاید زکشتگان آواز

قلمرو زبانی : لغت: بی دل : انسان عاشق خداوند / بی نشان : خداوند. / بی دل : وندی / عاشقان , کشتگان : وندی / برنیاید : فرایندواجی افزایشی / گوید : فرایندواجی افزایشی

قلمرو ادبی : بیت دوم: تلمیح به «ان الله لا یوصف و لا یدرک»/ بیت اول: تلمیح به حدیث « مَنْ عَرَفَ اللهَ کَلَّ لِسَانُهُ » (جامع الصغیر): کسی که خدا را شناخت زبانش کند می شود و نمی تواند چیزی بگوید

قلمرو معنایی :

- اگر کسی وصف و تعریف خدا را از من بپرسد، من که عاشق خدا هستم از خدای بی نشان چه چیزی را بازگو کنم؟

عاشق در وجود معشوق فانی می شود و از خود حرکت و آوازی ندارد. پس چگونه این عاشق فانی شده می تواند از معشوق خود (خداوند) خبر بدهد؟

قرابت معنایی :

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و زبانش سوختند

وگر سالکی محرم راز گشت ببندند بر وی در بازگشت

کسی را در این بزم ساغر دهند که داروی بی هوشی اش در دهند

کسی ره سوی گنج قارون نبرد وگر برد ره باز بیرون نبرد

* یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن گه که از این معامله باز آمد یکی از یاران به طریق انبساط گفت: « از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ »

قلمرو زبانی : لغت : جیب : گریبان , یقه / صاحب دل: عارف. / مراقبت: حالت تفکر و تأمل عارفانه / مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن و در اصطلاح عرفانی پی بردن به حقایق است / مستغرق: غرق شده / معامله: کار, اعمال عبادی / انبساط: شادی, خوش روشدن / صاحب دلان: وندی مرکب / مراقبت: ساده / مکاشفت: ساده / معامله: ساده / بوستان: وندی / تحفه: ساده / کرامت: ساده

قلمرو ادبی : جیب مراقبت : اضافه استعاره / بحر مکاشفت : اضافه تشبیهی / بوستان: استعاره از حالت مکاشفه. / مراقبت , مکاشفت و کرامت : تناسب معنایی

قلمرو معنایی :

یکی از عارفان در حالت تأمل و تفکر عارفانه بود و در دریای کشف خداوند غرق شده بود. وقتی که از حالت تفکر و تأمل عارفانه و کشف حقایق خداوندی خارج شد، یکی از دوستانش جهت گشادگی خاطر گفت: از باغ شناخت و اکتشاف خدا که رفته بودی، چه هدیه ای برای ما (به عنوان کرامت) آوردی؟

*گفت: « به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

قلمرو زبانی: لغت: خاطر: دل، یاد / « م » در گلم: مفعول. « م » در دامنم: رقص ضمیر و مضاف الیه / هدیه اصحاب را: را حرف اضافه

قلمرو ادبی: - / درخت گل: استعاره از معارف حقایق الهی، جمال معشوق / دامنم از دست برفت: کنایه از اختیارم را از دست دادم. / مست و دست: جناس ناهمسان / تلمیح به: «من عرف الله کلّ لسانه»
قلمرو معنایی:

گفت: در نظر داشتم که وقتی به بوستان معرفت خداوند برسم، به عنوان هدیه نشانه هایی از معرفت و حقیقت (خداوند) به عنوان هدیه برای دوستان بیاورم. وقتی به آنجا رسیدم، بوی گل حقیقت (جمال الهی) آن چنان مرا مست خود کرد که اختیار از دستم خارج شد.

قرابت معنایی:

کسی را در این بزم ساغر دهند / که داروی بی هوشیش بردهند

گوشم به راه تا که خبر می دهد ز دوست / صاحب خبر بیامد و من بیخبر شدم

* ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

این مدعیان در طلبش بی خبران اند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد.

قلمرو زبانی: لغت: مدعی: ادعا کننده، خواهان / کان سوخته را جان شد: را فک اضافه / سوخته: وندی / بی خبران: وندی

قلمرو ادبی: ای مرغ سحر: استعاره و تشخیص / آواز نیامد: کنایه از سکوت / مرغ سحر: نماد عاشق و سالک / پروانه: نماد عاشق واقعی.

قلمرو معنایی:

ای عاشق، عشق واقعی را از پروانه بیاموز که جانش را در آتش (عشق) از دست می دهد ولی اعتراضی نمی کند. این

کسانی که ادعای شناخت خدا را می کنند از وجود او بی خبرند آن کسی که از خدا نشان می یابد زبانش بریده می شود و سکوت اختیار می کند.

قربت بیت اول : عاشقان کشتگان معشوق اند برنیاید زکشتگان آواز
قربت بیت دوم :

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و زبانش سوخت
کسی را در این بزم ساغر دهند که داروی بی هوشی اش در دهند
کسی ره سوی گنج قارون نبرد وگر برد ره باز بیرون نبرد
کارگاه متن پژوهی
قلمرو زبانی :

۱- جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید:

معنا	واژه معادل
دارای نشان پیامبری	وسیم
شادی بخش	مفرح
به خدای تعالی باز گشتن	انابت
قطع کردن مقرری	بریدن

۲- سه واژه در متن درس بیابید که هم آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد. (قربت : نزدیکی- غربت : دوری) / (حیات: زندگی - حیات: محوطه) / (منسوب: نسبت داده شده. - منصوب : گماشته)

۳- از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر ، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

ح (تحیر - فاحش - مفرح)

ق (مستغرق - مراقبت - قربت)

ع (خلعت - ربیع - عصاره)

۴- در کدام قسمت از متن درس ، « جهش ضمیر » دیده می شود؟ دلیل خود را بنویسید. دامنم از دست برفت (دامن از دستم رفت)

۵- به عبارت های زیر توجه کنید:

الف) همنشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد.

ب) آرزو گفت: «ازنمایشگاه کتاب چه خبر؟»

در عبارت « الف » ، فعل جمله دوم ، ذکر نشده است اما خواننده یا شنونده از فعل جمله می تواند به فعل جمله دوم ؛ یعنی « است » پی ببرد . در این جمله ، حذف فعل به « قرینه لفظی » صورت گرفته است.

در عبارت « ب » جای فعل « داری » در جمله دوم خالی است اما هیچ نشانه ای در ظاهر جمله ، شنونده را به وجود « فعل » راهنمایی نمی کند ، تنها از مفهوم عبارت می توان دریافت که فعل « داری » از جمله دوم حذف شده است ؛ در این جمله ، حذف به « قرینه معنوی » صورت گرفته است.

هر یک از اجزای کلام در صورت وجود قرینه می تواند حذف شود. اگر حذف به دلیل تکرار و برای پرهیز از تکرار صورت گیرد ، آن را « حذف به قرینه لفظی » گویند اما اگر خواننده یا شنونده از مفهوم سخن به بخش حذف شده پی ببرد ، « حذف به قرینه معنوی » است.

در متن درس ، نمونه ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف بیابید.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده .(فعل است به قرینه معنوی حذف شده است)

ممتّ خدای را عزّ و جلّ ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت .(فعل است به قرینه لفظی حذف شده است)

قلمرو ادبی :

۱- واژه های مشخص شده ، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر ! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

مرغ سحر: عاشقی که فقط ادعای عشق می کند پروانه : عاشق حقیقی

۲- با توجه به عبارت های زیر به پرسش ها پاسخ دهید:

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابری بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

الف) آرایه مشترک دو عبارت را بنویسید. سجع (کشیده ، رسیده - بگسترده ، بپرورد) تشبیه (بارن رحمت - خوان نعمت - فراش باد صبا - دایه ابر بهاری - بنات نبات) .

ب) قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است ؟ استعاره (گل ها و سبزه ها مانند فرش زمردین هستند)
قلمرو فکری :

۱- معنی و مفهوم عبارت های زیر را به نثر روان بنویسید:

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که : ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ .

یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده.

۲- مفهوم کلی مصراع های مشخص شده را بنویسید:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

غافل نبودن از یاد خداوند روزی دهنده

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

امت اسلام به پشتیبانی حضرت محمد ص دلگرم شکست ناپذیرند

گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟

انسانی مرحله فنا فی الله زبانش از توصیف خدا بند می آید

۳- از کدام سطر درس ، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است ؟

هیچ نقاش نمی بیند که نقشی بر کند وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده ای سعدی

گفت: « به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم ، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم ، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

این مدعیان در طلبش بی خبران اند کان را که خبر شد ، خبری باز نیامد.

گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟

عاشقان کشتگان معشوق اند برنیاید ز کشتگان آواز

گنج حکمت: گمان

گویند که بطی در آب روشنایی می دید. پنداشت که ماهی است. قصدی می کرد تا بگیرد و هیچ نمی یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هر گاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی، و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند

کليلة و دمنه، ترجمه نصرالله منشی
 قلمرو زبانی: بط: مرغابی / پنداشت: تصوّر می کرد / قصدی می کرد: تلاش می کرد / آزمودن: امتحان کردن / حاصلی ندید: نتیجه ای نگرفت / فرو گذاشتن: رها کردن، صرف نظر کردن / بدیدی: می دید / گمان بردی: فکر می کرد، خیال می کرد / ثمرت: نتیجه / گویند: فرایند واجی افزایشی - واژه های وندی: بطی/قصدی / بارها / حاصلی

- ترکیب وصفی: دیگر روز / هرگاه / همان روشنایی / این تجربت / همه روز

قلمرو ادبی: ماه و گاه: جناس / مراعات نظیر: بط. آب. ماهی

قلمرو معنایی:

پیام: زیان قیاس نابه جا و ظاهربینی /